

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

بررسی علل سردی روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان

(دوره زمانی 1991-2008م)

(1370-1387 ش)

دانشجو: حبیب رضازاده

استاد راهنما: جناب آقای دکتر محمد جعفر جوادی ارجمند

استاد مشاور: سرکار خانم دکتر الهه کولایی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی (گرایش مسایل ایران)

پاییز 1389

در تدوین و نگارش این پژوهش افراد چندی کمک و راهنمایی داشته اند که جا دارد از تمامی آنان تقدیر و تشکر گردد. در ابتدا از جناب آقای دکتر محمد جعفر جوادی ارجمند، که به عنوان استاد راهنما و با همیشه در دسترس بودن خود کمک فراوانی در انجام پژوهش نموده اند و همچنین از سرکار خانم الهه کولایی که به عنوان استاد مشاور و با تسلط کامل بر موضوع نقش مهمی در هدایت این پژوهش ایفا نمودند و از جناب آقای دکتر ابراهیم متقی که به عنوان داور پژوهش، نکات لازم و مفید را رای بهتر شدن پژوهش متذکر شدند تقدیر و تشکر می شود و برای ایتن اساتید بزرگوار آرزوی موفقیت روز افزون دار.

همچنین جا دارد از سرکار خانم نغمه جوادپور به خاطر کمک در انجام این پژوهش و از سرکار خانم لیلا شهبازی که در تایپ و ویرایش این پژوهش کمک فراوانی نمودند تشکر گریده و برای این بزرگواران آرزوی پیشرفت در تمام مراحل زندگی شان را داریم، و در انتها از تمام دوستان و عزیزانی که با حضور خود در جلسه دفاع بر بنده منت گذاردند تشکر و برای تمامی آنان آرزوی موفقیت دارم.

این پژوهش تقدیم می گردد به

خانم ها

نغمه جوادیپور

و

پروین صادقی

به پاس تشکر از کمک های بی دریغ  
آنها

## چکیده:

فروپاشی اتحاد شوروی یکی از مهمترین رویدادهای جهان در نیمه قرن بیستم بوده و تأثیرات عمیقی در سطح جهان، منطقه و روابط بین کشورها به جا گذاشته است. نتیجه این فروپاشی ظهور و حضور جمهوری های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز است، که کشور ایران را با کشورهای چوون جمهوری آذربایجان، ترکمنستان همسایه گردانید. همسایگی با جمهوری آذربایجان با توجه به اشتراکات فراوانی که بین دو کشور ایران و این کشور وجود دارد (تاریخ مشترک، جزئی از خاک ایران بودن در گذشته، دین و مذهب مشترک، مرز آبی و خاکی مشترک، زبان مشترک بین مردم جمهوری آذربایجان و اقلیت بزرگی از مردم ایران و...) چندان دوستانه نبوده و برخلاف انتظارات اولیه این اشتراکات دلیلی بر نزدیکی دو کشور نگردید و حتی می توان صحبت از ناکامی ایران در دستیابی به اهدافش در ارتباط با جمهوری آذربایجان به میان آورد، در تبیین چرایی این موضوع ما چندین علت از جمله: قوم گرایی (پان ترکیسم، پان آذریسم) / رابطه ایران با ارمنستان - بحران قره باغ / تعیین رژیم حقوقی دریای خزر / نقش ترکیه / نقش روسیه / نقش اسرائیل / نقش آمریکا را بیان داشته و در تمامی این عوامل به دنبال کشف تاثیر تضاد ایران (کارگزار) با ساختار بین المللی به رهبری آمریکا، بوده ایم و دلیل سردی روابط ایران با جمهوری آذربایجان را علیرغم تمام اشتراکاتی که باید به همکاری و نزدیکی منجر می شدند تضاد ایران با ساختار بین المللی می دانیم. البته لازم به ذکر است که ما برای این سردی روابط هفت علت را ذکر کرده ایم و ضمن بیان هر یک از این علل به دنبال یافتن نقش آمریکا (به عنوان قدرتمندترین کارگزار ساختار بین المللی که رهبری این ساختار را نیز بر عهده دارد) می باشیم.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه (بیان مسئله و ادبیات تحقیق)
1.....	بیان مسئله
10.....	بررسی ادبیات موجود
	عوامل منطقه‌ای موثر بر سردی روابط و سیاست خارجی ایران در ارتباط با جمهوری آذربایجان
18.....	آذربایجان
20.....	عوامل برون منطقه‌ای
22.....	سوال پژوهش
22.....	فرضیه اصلی
23.....	فرضیه رقیب
24.....	تعریف مفاهیم
	فصل اول :
26.....	چهار چوب نظری پژوهش
	فصل دوم:
	بررسی عوامل موثر بر سردی روابط ایران در ارتباط با جمهوری آذربایجان
	گفتار اول:
	قوم‌گرایی (پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم) و تأثیر آن در سردی روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان
37.....	بررسی سیر تاریخی ایده وحدت آذریهای ایران و آذربایجان
42.....	ادوار ریاست جمهوری، جمهوری آذربایجان

49..... نقش کشورهای دیگر در مسئله پان ترکیسم - پان آذریسم

### گفتار دوم:

51..... نقش بحران قره‌باغ - در روابط ایران، ارمنستان و جمهوری آذربایجان

56..... سطوح و ابعاد بحران قره‌باغ: از بعد محلی تا ابعاد جهانی

تحلیل گزینه‌های ممکن در حل سیاسی بحران قره‌باغ

61..... الف: جنبه‌های حقوقی و بین‌المللی

62..... ب: اصول اساسی در ارائه راه‌حل بحران قره‌باغ

65..... آغاز روابط دو جانبه ایران و ارمنستان

### گفتار سوم:

نقش ترکیه در سردی روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان

71..... اهداف ترکیه در منطقه قفقاز و جمهوری آذربایجان

### گفتار چهارم:

تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و تأثیر آن بر سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان

80..... تاریخچه رژیم حقوقی دریای خزر

83..... آمریکا و نقش آن در عدم موفقیت ایران در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر

87..... مواضع کشورهای ساحلی در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر

### گفتار پنجم:

نقش روسیه در سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان:

99..... اهداف و علایق روسیه در منطقه قفقاز

### گفتار ششم:

نقش اسرائیل در منطقه و تأثیر آن بر سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان

112..... علایق و اهداف اسرائیل در منطقه قفقاز و جمهوری آذربایجان

114..... اقدامات اسرائیل برای نفوذ در آذربایجان

118... تاثیر حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان بر روابط ایران با جمهوری آذربایجان

### گفتار هفتم:

121 اهداف آمریکا در منطقه قفقاز و تاثیر آن بر سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان

123..... نوع برخورد آمریکا با ایران در منطقه قفقاز

124..... نگاهی به اقدامات آمریکا در آذربایجان

130..... مواردی که آمریکا علیه منافع ایران در آذربایجان عمل کرده است

### فصل سوم:

132..... نتیجه گیری

140..... منابع



## مقدمه:

### بیان مسئله و ادبیات تحقیق:

#### بیان مسئله:

فروپاشی اتحاد شوروی یکی از مهمترین رویدادهای جهان در نیمه قرن 20 بوده است و تأثیرات عمیقی در سطح جهان، منطقه و روابط بین کشورها به جا گذاشته است. نتیجه‌ی این فروپاشی ظهور و حضور جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز است. یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های مناسبات فیمابین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز همکاری در خصوص مسائل دریای خزر می‌باشد که در حال حاضر به دلیل اهمیت منابع، خطوط انتقال انرژی، نظام حقوقی، مسائل زیست‌محیطی و مباحث پیرامون آن حائز اهمیت است. علاوه بر آن وضعیت ژئوپلتیک و ژئواکونومیک دریای خزر به اهمیت قضیه افزوده است و این دریاچه منحصر به فرد را در کانون توجه قدرت‌های بزرگ جهانی و شرکت‌های نفتی قرار داده است. تحقیقات اخیر میزان ذخائر این حوزه را بین 15 تا 40 میلیارد شبکه ذکر می‌کنند. همچنین ذخائر ثبت شده گاز در حوزه خزر بین 3/8 تا 8/12 میلیارد متر مکعب گزارش شده است.<sup>1</sup>

سیاست کلی ایران در قبال همسایگان شمالی، همکاری و حضور فعال در منطقه است<sup>2</sup> چرا که موقعیت ژئوپلتیک ایران و همچنین تأثیر آن بر کشورهای منطقه، این کشور را در مقام پل ارتباطی که دو منطقه پر اهمیت جهان یعنی آسیای مرکزی و قفقاز و خلیج فارس را به هم متصل می‌سازد قرار داده است.<sup>3</sup> سه کشور آذربایجان، ارمنستان، گرجستان در منطقه قفقاز واقع شده‌اند. جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی شوروی در سال 1991 م (1370 ش) استقلال یافته (البته در سالهای 1918-1920 م (1297-1299 ش) نیز دارای استقلال بوده است و سپس به اتحاد جماهیر شوروی الحاق شد) و به همین دلیل سابقه و تجربه چندانی در زمینه دولت مستقل ندارد. آذری‌ها با اکثریت 90% و زبان ترکی، مذهب شیعه و احساسات شدید میهن‌پرستی جمعیت جمهوری آذربایجان را

<sup>1</sup> - میر ابراهیم صدیق، «روابط ایران با جمهوریهای قفقاز از 1991 تا کنون»، تهران نشر دادگستر، 1383، ص 46

<sup>2</sup> - الهه کولایی، «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلتیک قفقاز جنوبی»، فصلنامه ژئوپلتیک، سال ششم، شماره اول، بهار 1389، ص 75

<sup>3</sup> - Keyhan Barzegar, « Twelve Years After The Disintegration Of The Soviet Union: A Conceptual

Framework Forth Analysis Of The Issue Of Iran, Central Asia And The Caucasus, Discourse, Vol.5, No1, summer 2003. pp.1-30

تشکیل می‌دهند.<sup>4</sup> جمهوری آذربایجان از شمال با روسیه از غرب با ارمنستان، از شرق با دریای خزر و از سوی جنوب با ایران همسایه است که از سوی روسیه و ارمنستان احساس تهدید می‌کند و از سوی ایران هم احساس کمک و مساعدت نمی‌کند.

جمهوری آذربایجان از جمله کشورهای غنی از منابع انرژی می‌باشد. ذخائر کشف شده نفت در آذربایجان حدود 4 میلیارد تن است که 80% آن در فلات قاره دریای خزر واقع شده است.<sup>5</sup> روابط ایران با جمهوری آذربایجان در اوایل تاسیس نسبتاً حسنه بود و حتی پس از استقلال در سال 1991 م (1371ش) آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت ایران یکی از نخستین سران کشورهای جهان بود که از باکو دیدن کرد. در ابتدا ایران در به رسمیت شناختن جمهوری آذربایجان تعلل کرد اما در نهایت از پیوستن یک کشور شیعه دیگر به جامعه بین‌المللی استقبال کرد. در پی انتخاب «ابوالفضل ایلچی بیگ» به ریاست جمهوری آذربایجان روابط دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان به سردی گرائید چرا که لحن ایلچی بیگ بسیار ملی‌گرایانه و نسبت به ایران خصمانه بود. در زمان او ایده «آذربایجان بزرگ» مطرح شد.<sup>6</sup> چنین تصور می‌شد که ایلچی بیگ قصد اتحاد بین جمهوری آذربایجان و آذربایجان ایران را دارد. تلویزیون جمهوری آذربایجان نیز گهگاه استان آذربایجان ایران را «آذربایجان جنوبی» یا «آذربایجان اشغالی» می‌نامید. در آن زمان تهران در واکنش به این اتفاقات توجه خود را از باکو به نخجوان معطوف کرد، که در آن زمان سنگر «حیدر علی اف» بود و البته به نوعی نیز در مناقشه قره‌باغ جانب ارمنستان را گرفت که این مورد به تنش‌های بین ایران و جمهوری آذربایجان افزود. پیروزی حیدر علی اف در انتخابات و همچنین سیاست او مبنی بر ایجاد توازن میان منافع ترکیه، روسیه و ایران مورد استقبال و تأیید قرار گرفت، در این دوره روابط ایران و جمهوری آذربایجان «عادی اما گاهی با تنش» توصیف می‌گردد.

نخستین محور همکاری ایران و جمهوری آذربایجان تلاش ایران برای ورود جمهوری آذربایجان به تشکیلات منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله سازمان همکاری اقتصادی اکو و سازمان کنفرانس اسلامی بود. همچنین با اعتقاد به اینکه مناقشه قره‌باغ مهمترین مشکل جمهوری آذربایجان بعد از استقلال بود، ایران تلاش‌های همه‌جانبه‌ای برای حل و فصل این مناقشه از طریق مسالمت آمیز انجام داده است

---

<sup>4</sup>- Cameron S, Brown, (**Observations,From Azerbaijan**).journal.Volume6.No14. December2002. at: <http://meria.idc.ac.il/books/azerbaijan.htm>

<sup>5</sup> - صدیق، پیشین، ص 64-62

<sup>6</sup>- Mahan,Abedin (**Iran At Sea Over Azerbaijan**) Asia Tims On Line,Sep.28.2004  
At: <Http://www.atimes.com/atimes/middle-east/FI28AKOL.html>.

البته این سیاست بعد از سیاست‌های تهاجمی ایلچی بیگ کمی تغییر یافت و همین امر نیز بر مشکلات بین ایران و جمهوری آذربایجان افزوده است.

روابط اقتصادی دو کشور در سه بخش حمل و نقل، تجارت و انرژی از رونق بیشتری برخوردار است. تا سال 1995 م (1374ش) مهمترین شرکای تجاری جمهوری آذربایجان، ایران، روسیه و ترکیه بودند ایران با 292 میلیون دلار، روسیه با 272 میلیون دلار و ترکیه با 255 میلیون دلار بالاترین سهم در تجارت خارجی جمهوری آذربایجان را در سال 1996 م (1376ش) داشته اند.<sup>7</sup> از نظر حمل و نقل و ترانزیت کالا نیز ایران میسر مناسبی برای حمل کالا به آذربایجان و بالعکس است. از نظر همکاری‌های نفتی به خاطر امکانات فنی و موقعیت ژئوپلیتیکی و ذخائر عظیم نفتی، این دو کشور می‌توانند همکاری‌های مناسبی با هم داشته باشند. همکاری برای گسترش منابع به منظور افزایش تولید نفت و گاز و افزایش توان صادراتی، همکاری در زمینه تجهیزات نفتی، خطوط لوله، حمل و نقل و... در جهت کاهش وابستگی به مناطق تحت نفوذ روسیه و به وجود آوردن فرصت‌های جدید برای راهیابی به بازارهای بین‌المللی و... از جمله اهداف چنین همکاری است.

موقعیت جغرافیایی ایران که میان دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته امکان ادامه یافتن خطوط لوله نفت و گاز از دریای خزر به خلیج فارس را فراهم می‌آورد. ایران نه تنها کوتاه‌ترین راه برای صدور نفت و گاز از دریای خزر به اروپا، ژاپن و خاور دور است بلکه تجربه نود ساله ایران در صنعت نفت و گاز، تأسیسات نفتی و گازی ایران، تسهیلات بندری و پالایشگاه‌ها و شبکه لوله‌های نفتی و گازی موجود در ایران امکانات چشمگیری برای صادرکنندگان نفت و گاز از جمله جمهوری آذربایجان فراهم می‌کنند. عدم دسترسی جمهوری آذربایجان به آبهای آزاد نه تنها این کشور را در توسعه اقتصادی و ارتباط با جهان و بازارهای مصرف با دشواری مواجه می‌سازد بلکه این امر موجب نوعی وابستگی به کشورهای مسیر ترانزیت می‌گردد.

جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری آذربایجان از سال 1991 م تا 2008 م (1371-1387ش) طی مراحل گوناگون متفاوت بوده است. سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در اوایل استقلال بسیار متزلزل بود. عدم ثبات سیاسی در داخل و بلافاصله مناقشه قره‌باغ، در دوره جبهه ملی به رهبری «ایلچی بیگ» به دلیل اتخاذ مواضع ضد ایرانی و صحبت از تشکیل «آذربایجان بزرگ» روابط ایران و

<sup>7</sup> - «تجارت خارجی جمهوری آذربایجان در سال 1996»، (گزارشها) فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، شماره 18،

تابستان 1376، ص 196

جمهوری آذربایجان را تیره نمود<sup>8</sup>. اما در سال 1992 م (1372ش) با به قدرت رسیدن «حیدر علی اف» و اتخاذ روندی عاقلانه در ارتباط با همسایگان روابط این کشور با ایران گسترش یافت<sup>9</sup> به طوری که جمهوری آذربایجان در کنسرسیوم نفتی «قرارداد قرن» بخشی از سهام خود را به ایران واگذار کرد. اما در سال 1995 م (1374ش) به دلیل فشارهای شرکت‌های آمریکایی جمهوری آذربایجان، ایران را از کنسرسیوم حذف کرد که این مسئله خود نیز به سردی روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان تبدیل شد. این کاهش روابط ادامه داشت تا اینکه طی سفر سه روزه دکتر خرازی وزیر امور خارجه ایران به باکو در سال 1998 م (1378ش) نسبت به ارتقاء روابط ابراز تمایل کردند. نکته مهم اینکه دوستی جمهوری آذربایجان با ایران برای هر دو کشور مزایای فراوانی دارد و این دو کشور علاوه بر اشتراکات تاریخی و فرهنگی می‌توانند از روابط حسن همجواری، بهره فراوانی ببرند. ولی روابط میان آنها هیچ‌وقت دوستانه نبوده است این واقعیت منجر به این پرسش می‌شود که چه عواملی در جلوگیری از برقراری روابط دوستانه بین ایران و جمهوری آذربایجان موثر بوده است؟ در واقع استراتژی آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران، سبب شده فرصتها و امتیازهای یاد شده کارکردهای موثری نداشته باشند. ابتدا قبل از ورود به موضوع پژوهش که بررسی علل سردی روابط خارجی ایران با جمهوری آذربایجان می‌باشد لازم است تا اطلاعاتی در مورد جغرافیای کشور آذربایجان و همچنین ساختارهای سیاسی، اقتصادی و... آن داشته باشیم.

### جغرافیای آذربایجان:

آذربایجان با طول 500 کیلومتر (شرق به غرب) عرض حدود 400 کیلومتر (شمال به جنوب) و مساحت 86600 کیلومتر مربع 46/5 درصد از مساحت قفقاز جنوبی را به خود اختصاص داده و بزرگترین کشور در ناحیه قفقاز جنوبی می‌باشد. آذربایجان با 5 کشور هم‌مرز است و طول مرزهای خشکی آن 2172 کیلومتر مربع است. این جمهوری در شمال شرقی با گرجستان به طول 340 کیلومتر در غرب با ارمنستان به طول 787 کیلومتر در جنوب با ایران 767 کیلومتر در شمال با روسیه به طول 289 کیلومتر و در جنوب غربی با ترکیه به طول 11 کیلومتر هم‌مرز بوده و در شرق به دریای مازندارن با ساحلی به طول 830 کیلومتر منتهی می‌شود.<sup>10</sup>

<sup>8</sup>- Brown, Ibid.

<sup>9</sup> - کولابی، پیشین، ص 90

<sup>10</sup> - محمد حسین افشردی، «ژئوپلتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، دانشکده دوره عالی جنگ، 1381.

## ساختار سیاسی و اقتصادی جمهوری آذربایجان:

در جمهوری آذربایجان بیش از 20 قوم زندگی می‌کنند ولی بیشترین نسبت با 82/6 درصد مربوط به آذربایجانی هاست که جمعیت بومی جمهوری را که در حدود 5/8 میلیون نفر در حال 1989 بوده است به خود اختصاص می‌دهد. بر اساس قانون اساسی مصوبه 12 نوامبر 1995م (1374ش) نظام حکومتی آذربایجان لائیک دموکرات می‌باشد (ماده 19) رئیس جمهور رئیس کشور است و با رأی مستقیم مردم برای مدت 5 سال انتخاب می‌شود.<sup>11</sup>

در دوران شوروی اقتصاد آذربایجان عمدتاً در دو زمینه فعال بود:

1. در صنعت که عمدتاً نفت و پتروشیمی و ماشین‌آلات نفتی را شامل می‌شد.

2. در کشاورزی که تولید تره‌بار، مرکبات و تا حدودی پنبه را دنبال می‌کرد.

بعد از فروپاشی شوروی و اقتصاد متمرکز آن، اقتصاد آذربایجان دچار مشکلاتی چون تک جهتی شدن تولید در رشته های کشاورزی و صنعت 12 و نیازهای شدید جمهوری آذربایجان که دشواریهای اقتصادی دوران اتحاد شوروی را با مشکلات ناشی از جنگ قره باغ همراه کرد. 13 صادرات این کشور علاوه بر محصولات کشاورزی شامل کالاهای صنعتی، مواد غذایی، ماشین‌آلات فلزکاری، محصولات نفت و گاز و مواد شیمیایی و پتروشیمی می‌باشد. آذربایجان برای ثبات بخشیدن به اوضاع اقتصادی خود از صندوق بین‌المللی پول کمک درخواست کرد و با کمک این صندوق برنامه‌های اقتصادی خود را به اجرا درآورد. این کشور در میان کشورهای قفقاز جنوبی و در مقایسه با ارمنستان و گرجستان به لحاظ توسعه صنعتی در سطح پایین‌تری قرار داشت. این کشور دارای یک جمعیت اکثراً مسلمان می‌باشد و اقتصاد آن بعد از فروپاشی شوروی طبق قانون اساسی این کشور نظام اقتصاد آزاد است، البته اکنون جمهوری آذربایجان به واسطه منابع نفتی و سرمایه‌گذاری های شرکتهای خارجی در صنایع نفت آن و سرمایه‌گذاری های اسرائیل در کشاورزی و... نسبت به همسایگان خود ارمنستان و گرجستان از اقتصاد قوی تری برخوردار است.

آذربایجان در ابتدای قرن 20 یکی از بزرگترین مناطق نفتی جهان بوده و اهمیتش برای شوروی همچون تگزاس برای آمریکا بوده است. تولید نفت از 1870 م (1249ش) در آذربایجان شروع شد

<sup>11</sup> - صدیق، پیشین، ص 62

<sup>12</sup> - رضا عنایت الله، «موانع توسعه در جمهوری های قفقاز و آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 4، 1373.

ص 281

<sup>13</sup> - الهه کولایی، «ایران، ارمنستان، روسیه، عوامل توسعه روابط»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 26، 1377، ص 13

ولی تولید گاز چندان پیشرفتی نداشت و این کشور از ترکمنستان گاز طبیعی وارد می‌کرد. در مورد منابع نفت دریای مازندران هرچند در سالهای اولیه دهه 1990م (1370ش) از سوی منابع غربی آمار و ارقام اغراق‌آمیزی همچون وجود 200 میلیارد بشکه نفت و 279 تریلیون فوت مکعب گاز ذکر می‌شد اما خیالی بودن این آمار به زودی مشخص شد و برآورد اعلام شده توسط وزارت انرژی آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی بین 15 تا حداکثر 40 میلیارد بشکه نفت اعلام شد. ذخائر تا حدودی اثبات شده نفت و گاز آذربایجان نیز حدود 7 میلیارد بشکه نفت و یک تریلیون متر مکعب گاز اعلام شده است.<sup>14</sup> البته برآورد مجله تایم آمریکا منابع نفت جمهوری آذربایجان را در حدود 30 میلیارد بشکه و برآورد وزارت انرژی آمریکا در حدود 27 میلیارد بشکه می‌باشد.<sup>15</sup>

پیدایش جمهوری‌های قفقاز، وجود اقلیت‌های قومی - مذهبی در مناطق داخلی ایران مانند آذری-ها در نزدیکی مرز جمهوری آذربایجان بر پیچیدگی مسائل این کشور افزوده است، همچنین توانایی آمریکا و اسرائیل و کشورهای غربی برای نفوذ در کشورهای منطقه به خاطر ضعف‌های گوناگون این کشورها، گسترش ناتو به شرق و غیره می‌تواند تاثیر قاطعی بر ملاحظات امنیتی ایران بگذارد.<sup>16</sup> از نظر برخی صاحب‌نظران جغرافیای سیاسی، مهمترین تهدید امنیتی ایران، اتحادی است که در منطقه خزر با شرکت آمریکا، اسرائیل، ترکیه و آذربایجان شکل گرفته است. این محور استراتژی که شمال ایران را تهدید می‌کند و در این وضعیت ایران باید به سوی موازنه متقابل رفته و با ایجاد ترتیباتی با شرکت چین، هند و روسیه صف‌آرایی جدیدی را ایجاد کند، ضمن آنکه در روابط با روسیه باید دقت کند.<sup>17</sup>

---

<sup>14</sup> - صدیق، پیشین، صص 62-64

<sup>15</sup> - «خزر و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ندسا).

نشر سایه روشن، 1381، صص 29

<sup>16</sup> - کولایی، «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلتیک قفقاز جنوبی»، صص 87

<sup>17</sup> - مقصود رنجبر، «ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، چاپ اول، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی،

شماره 1، صص 211-213

## اهداف ایران در منطقه قفقاز جمهوری آذربایجان:

جا دارد در ابتدا به اهداف ایران در منطقه قفقاز اشاره نمود که سیاست خارجی ابزاری جهت دستیابی به این اهداف قلمداد می‌شود. یکی از مهمترین اهداف و علایق ایران در منطقه قفقاز دستیابی به منافع و منابع اقتصادی است. البته به دنبال اهداف دیگری نیز به شرح ذیل می‌باشد.

### اهداف اقتصادی:

1. تعیین رژیم حقوقی دریای خزر
2. استفاده از منابع اولیه و مواد خام منطقه
3. تلاش برای انتخاب خاک ایران به عنوان مسیر خطوط انتقال انرژی منطقه، زیرا ایران اقتصادی‌ترین مسیر به شمار می‌رود.
4. جلوگیری از دست‌اندازی دیگران به منابع نفتی کشور در حوزه خزر
5. استفاده از موقعیت ترانزیتی ایران برای حضور و نفوذ در قفقاز
6. حفظ قوانین مربوط به آزادی کشتیرانی در دریای خزر
7. استفاده از بازارهای منطقه جهت فروش کالاهای ایران به ویژه مواد مصرفی
8. استفاده از بازارهای منطقه برای انتقال صادرات ایران به اروپا
9. تلاش برای توسعه میادین نفت و گاز
10. توسعه تجارت و همکاری اقتصادی و تجاری، سرمایه‌گذاری در منابع نفتی، همکاری در بخش انرژی و سایر بخشها
11. تلاش برای جلب تولیدات نفتی کشورهای منطقه از جمله آذربایجان و تأمین نفت خام پالایشگاه‌های تبریز، تهران، اراک از این راه

### اهداف اجتماعی و سیاسی - امنیتی:

1. نفوذ در بین ملت‌های قفقاز با استفاده از سابقه تاریخی حضور ایران در منطقه قفقاز و تعلق دیرینه آن به ایران
2. حضور و نفوذ در بین جمعیت‌های مسلمان منطقه از جمله آذربایجان با استفاده از مشترکات مذهبی و دینی
3. احیای نفوذ سنتی ایران در منطقه
4. استفاده از لابی ارمنی در اروپا و آمریکا در برابر لابی یهودی

5. ایجاد مانع برای جلوگیری از شکل‌بندی و تقویت شکل‌بندی‌های سیاسی - امنیتی که در جهت مخالفت با ایران تشکیل می‌شوند.
6. خنثی‌سازی حضور آمریکا در منطقه
7. تلاش برای کاهش انزوای ایران در خلیج فارس با استفاده از گسترش روابط با قفقاز
8. مقابله با نهضت‌های پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم که بوسیله سرویس امنیتی آذربایجان هدایت می‌شود
- آذری‌ها در سال 2000 م (1379 ش) یک بودجه 400 هزار دلاری برای پشتیبانی از مراکز آذربایجانی‌ها در جهان پیش‌بینی کردند.<sup>18</sup>
9. برقراری توازن قوا در منطقه قفقاز
10. تلاش برای ایجاد امنیت در قفقاز و دریای خزر
11. تلاش برای محدود کردن فعالیتهای ترکیه و ممانعت از حضور اسرائیل در منطقه<sup>19</sup>

### فروپاشی شوروی و تاثیر آن بر منطقه قفقاز:

بعد از فروپاشی شوروی در سال 1991 م (1370 ش) و توجه بیشتر کشورهای قفقاز به منابع نفت و گاز و اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز توجه جهانی به این منطقه زیاد شد و اکتشاف نفت و گاز در منطقه، شرکتهای بزرگ نفتی را به منطقه کشاند و محیط را برای تنشها و رقابتهای گسترده اقتصادی و سیاسی فراهم ساخت که مهمترین آنها عبارتند از: 1. برخورد منافع آمریکا و روسیه در تداوم رقابت نیم قرن گذشته 2. برخورد منافع روسیه و ترکیه در راستای نفوذ یک متحد آمریکا و عضو ناتو به محدوده امنیت ملی روسیه 3. برخورد منافع ترکیه و ایران به عنوان دو قدرت منطقه‌ای با تضادهای فرهنگی، سیاسی، امنیتی 4. برخورد منافع ایران و آمریکا در راستای دکترین مهار دوجانبه.

رقابت و تنش‌های فوق وضعیت امنیتی منطقه را به‌طور فوق‌العاده‌ای پیچیده کرد به طوری که این رقابت‌ها بر برخی از بحرانهای داخلی این منطقه نظیر بحران قره‌باغ، گرجستان و برخی اختلافات مرزی بین کشورها تاثیر داشت. واقعیت آن است که ورود قدرتهای بزرگ برای دستیابی به منابع بزرگ انرژی در منطقه از جمله تبدیل منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به میدان زورآزمایی آمریکا، ایران بر مشکلات منطقه افزوده است و به همین دلیل ایران با وسعتی برابر با 1648000 کیلومتر مربع و

<sup>18</sup> - عباس قربانی خالسرایی، «قوم‌گرایی و روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان»، پایان‌نامه ارشد دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی، 1385، ص 43

<sup>19</sup> - افشردی، پیشین، صص 40-45



800 کیلومتر ساحل مرزی خزر و جمعیتی بالغ بر 70 میلیون نفر، یک ارتش مجهز، منابع طبیعی و ثروت قابل ملاحظه نتوانسته نقش مهمی در آذربایجان ایفاء نماید که البته برای این عدم موفقیت معارضه نابرابر غرب و نگرانی حکومت‌های منطقه از گسترش انقلاب و اهداف ایران را می‌توان برشمرد<sup>20</sup>. پیچیدگی روابط ایران با آمریکا علاوه بر انزوای سیاسی موجب بی‌ثمر بودن پروژه‌های اقتصادی با کشورهای خزر شده است.<sup>21</sup> ایران با توجه به مشترکات فرهنگی، مذهبی، تاریخی و ملی خود با جمهوریهای بازمانده از شوروی به گونه ای که حتی رسول قلی اف، رئیس شورای عالی آذربایجان بیان میدارد "ایران و جمهوری آذربایجان نه تنها مرز مشترک بلکه دین، زبان و تاریخ مشترک دارند"<sup>22</sup> به عنوان یکی از مهمترین بازیگرانی که قادر به پر کردن خلاء ناشی از عقب نشینی روسیه از این منطقه می باشد<sup>23</sup> ولی این چنین نقشی با مخالفت آمریکا روبرو شد و عملاً ایران نتوانست به اهداف خود دست یابد.

---

<sup>20</sup> - احمد نقیب زاده، «نقش قدرتهای منطقه ای و برون منطقه ای در حوزه خزر»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 37 بهار 1381.

ص 75

<sup>21</sup> - دنیارا کالی یوا، «امنیت در منطقه خزر، چشم انداز ایجاد سیستم امنیت»، مترجم پروین معظمی گودرزی، مطالعات آسیای مرکزی و

قفقاز، شماره 47 پائیز 1383، ص 207

<sup>22</sup> - «رویدادهای آسیای مرکزی و قفقاز، (گام شمار)»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 7، زمستان 1373، ص 297

<sup>23</sup> - محمد نفیسی، «دستیابی جمهوریهای آسیای مرکزی به آبهای گرم و مسائل ناشی از آن»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،

شماره 19، سال ششم، پائیز 1376، ص 28

## بررسی ادبیات موجود :

از جمله مقالاتی که به موضوع پژوهش ما نزدیک می باشد مقاله «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلتیک قفقاز جنوبی» نوشته «الهه کولایی» می باشد، البته این مقاله به تمامی کشورهای قفقاز جنوبی (ارمنستان، آذربایجان و گرجستان) می پردازد اما نقطه قوت این مقاله بررسی تمامی ابعاد روابط بین ایران با این کشورها از جمله جمهوری آذربایجان در زمینه های روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و بحث دریای خزر می باشد. البته نویسنده مقاله به صراحت بیان می کند که «با وجود پیوندهای فرهنگی و مذهبی، روابط ایران با این کشور (جمهوری آذربایجان) هیچ گاه مطلوب و دوستانه نبوده است. روابط این دو کشور همواره تحت تاثیر پیوند استراتژیک جمهوری آذربایجان با ایالات متحده آمریکا، ترکیه (و اسرائیل) و نیز اختلاف در مورد رژیم حقوقی دریای مازندران قرار داشت»<sup>24</sup> و البته در ادامه مقاله به نقش پان آدریسم نیز اشاره می کنند «هم زبانی مردم جمهوری آذربایجان با بخشی از مردم ایران که در سرشت خود منفی نیست، به دلیل برخی تنش ها میان دو کشور، نقش منفی آمریکا و اسرائیل و نیز فعالیتهای جریانهای تجزیه طلب در ایران، به جای اثر گذاری مثبت در روابط دو کشور، نقش منفی ایفا نموده است»<sup>25</sup>. این مقاله به نوعی از نظر برشمردن علل موثر در سردی روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان همان مسائلی را عنوان می دارد که ما در این پژوهش آنها را به عنوان عوامل موثر بر سردی روابط ایران با جمهوری آذربایجان ذکر کرده ایم، اما خانم کولایی به دو مورد دیگر (نقش بحران قره باغ و نقش روسیه) در سردی روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان اشاره ای نمی کنند، و مزیت این پژوهش بررسی این موارد علاوه بر موارد دیگر می باشد. «فریدون برکشلی»<sup>26</sup> در مقاله «روابط ایران و همسایگان شمالی» فروپاشی شوروی و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران را مورد بررسی قرار داده است، از جنبه های امنیتی، سقوط شوروی آن کشور را تا حد زیادی از مرزهای ایران دور کرده و ماهیت روابط ایران با همسایگان شمالی را دگرگون ساخت. وی معتقد است اکنون ایران می تواند روابط سیاسی، اقتصادی، امنیتی خود را با همسایگان شمالی خود توسعه دهد. موقعیت ترانزیتی به دست آمده برای ایران و این جمهوری ها رونق و شکوفایی تازه ای به همراه خواهد آورد. در عین حال با همسایگانش ببندد. طی سالهای پس

24 - الهه کولایی، «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلتیک قفقاز جنوبی»، ص 87

25 - کولایی، همان

26 - فریدون برکشلی، «روابط ایران و همسایگان شمالی»، مجله سیاست خارجی، سال سوم، شماره 25، 1387، صص 108-114.

از جنگ ایران و عراق، عکس‌العمل ایران در قبال این قبیل حرکات ترکیبی از راه‌کارهای متفاوت بوده که غالباً جنبه واکنشی داشته و در حال حاضر تأکید بر همکاری‌های منطقه‌ای یکی از مهمترین اصول سیاست خارجی ایران به شمار می‌رود. نویسنده می‌گوید «ایران کاملاً به این امر وقوف دارد که بسیاری از اهداف اقتصادی، سیاسی و امنیتی از طریق همکاری‌های چند جانبه قابل تحقق است و همین چهارچوب کمک قابل ملاحظه‌ای به توسعه روابط دو جانبه نیز می‌نماید و در نهایت موجب تقویت مواضع کشور در صحنه‌های جهانی می‌گردد» همچنین اصول مهمی نظیر قطع وابستگی اقتصادی ملی از درآمدهای نفت، خودکفایی، نمودهایی از عزم ایران برای افزایش ضریب امنیت ملی در مقابله با تهدیدات احتمالی خارجی است. در همین چهارچوب ایران می‌کوشد تا با تشویق همسایگان شمالی به انتخاب خاک ایران و عنوان مسیر ترانزیت خطوط لوله نفت و گاز آنان را در محدوده ترتیبات امنیتی خود از بعد اقتصادی قرار دهد. نویسنده مقاله معتقد است تبلیغات آمریکا علیه ایران در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بی‌تأثیر بوده است. چرا که قرابت فرهنگی، دوری از ایران، زمینه همکاری بالنسبه مناسبی را فراهم می‌کند و هنگامی که کشورها متوجه بی‌محتوایی فرضیه خطرناک بودن ایران به عنوان یک کشور توسعه طلب شوند، تحقق اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه فارغ از عزم واشنگتن قابل حصول خواهد بود. در ارتباط با این مقاله باید متذکر شد که نویسنده با در نظر گرفتن موقعیت ایران و همسایگان شمالی اش شرایط همکاری را بسیار مناسب می‌داند و بیان می‌دارد که به دلایل بر شمرده عوامل خارجی حتی سیاست‌های ضد ایرانی، آمریکا نیز نمی‌تواند به این روابط خدشه وارد کند، اما در عمل شاهد این هستیم که حتی قراردادهای همکاری که ما بین جمهوری آذربایجان و ایران منعقد شده‌اند در اثر فشار آمریکا فسخ شده و رابط ایران و جمهوری آذربایجان به سردی گرائیده است.

مقاله دیگری که مورد مطالعه قرار گرفته است مقاله «سیاست‌های نفتی در قفقاز» نوشته «قاسم ملکی»<sup>27</sup> می‌باشد که به اهمیت تعیین کننده نفت در مناسبات خارجی جمهوری آذربایجان می‌پردازد. در قسمت اول مقاله به ذخائر وسیع نفت جمهوری آذربایجان اشاره دارد که همراه با قزاقستان و ترکمنستان می‌تواند سومین منطقه استخراج نفت جهان بعد از سیبری و خلیج فارس باشد. حفظ انحصار انتقال نفت به روسیه اجازه خواهد داد که منابع آذربایجان را کنترل کند. همچنین کشورهای غربی و قبل از همه ترکیه و آمریکا نیز منافع اقتصادی و سیاسی خود را در منطقه قفقاز و آسیای

---

<sup>27</sup>. قاسم ملکی، «سیاست‌های نفتی در قفقاز»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، شماره 20، 1376، صص 32-20.

مرکزی دنبال می‌کنند. به نظر نویسندگان مناسبات روسیه و جمهوری آذربایجان در سالهای اخیر دچار تنش شده است و علت این امر را هم اختلاف در جهتگیری سیاست دو کشور می‌داند. جمهوری آذربایجان می‌کوشد از طریق توسعه مناسبات اقتصادی و سیاسی استقلال خود را تحکیم کند ولی روسیه کوشش می‌کند نفوذ خود را در منطقه حفظ کند. نویسندگان در بخش بعد مقاله به اهمیت قفقاز در سیاست خارجی آمریکا می‌پردازد و می‌گوید آمریکا فعالیت سیاسی خود را در منطقه به واسطه بحران قره‌باغ تشدید کرده و از آن پس با بسط نفوذ خود در این منطقه در پی کسب منافع بیشتری است، هم اکنون آمریکا بیشترین سهام را در کنسرسیوم نفت جمهوری آذربایجان دارد و با حمایت از خط لوله باکو - جیجان دست ایران را از منابع نفتی جمهوری آذربایجان کوتاه کرده است. این مقاله نیز ضمن اشاره به منافع نفتی جمهوری آذربایجان و رقابت بین روسیه و آمریکا، به منافع آمریکا در منطقه نمی‌پردازد و اینکه ایران چرا نمی‌تواند با فشارهای روسیه و آمریکا در منطقه مقابله کند.

مقاله دیگری که در مورد بررسی قرار گرفته است مقاله «چالش‌ها و بایسته‌های تحرک جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز» نوشته «قدیر نصری مشکینی»<sup>28</sup> است. این مقاله در آغاز به بررسی و ارائه اطلاعات کلی در مورد دو منطقه آسیای مرکزی و قفقاز می‌پردازد، سپس موانع موجود برای ارائه یک سیاست فعال از طرف ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی موانع موجود را «سیاست مهار ایران توسط آمریکا»، «رقابت تنش‌آمیز ترکیه»، «روسیه و پاکستان با ایران»، «منازعات قومی»، «میزان توانایی و قدرت بالفعل ایران» و «مشکلات داخلی جمهوری‌ها» می‌داند. نویسندگان هر کدام از این عوامل را مورد بررسی قرار می‌دهد. «سیاست مهار ایران توسط آمریکا» را در سه دوره قابل بررسی می‌داند. دوره اول 1991-1993 م (1372-1373 ش) سیاست‌های کور ضد ایرانی، دوره دوم 1993-1996 م (1375-1372 ش) دوره مهار منسجم و منظم ایران است و دوره سوم با انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری آغاز می‌شود، سیاست‌های این دوره را سیاست «لبخند در عین تهدید» می‌نامند. «رقابت تنش‌آمیز ترکیه، روسیه و پاکستان با ایران» مصداق بازی با حاصل جمع صفر است. عبور خط لوله انتقال نفت و گاز از هر کدام از این کشورها به معنای حذف منافع دیگری است. به همین دلایل کشورهای فوق هر کدام به دنبال منافع خود و حذف رقیب‌اند، «چالش‌های بحران ساز و منازعات قومی» یکی دیگر از موانع ایران در منطقه است زیرا قوم‌گرایی و ناسیونالیسم

28. قدیر نصری مشکینی، «چالش‌ها و بایسته‌های تحرک، جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای

مرکزی و قفقاز، شماره 29 بهار 1379، صص 7-27.